

چگونگی گسترش شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۵ سال گذشته همواره یکی از بحث برانگیزترین گفتمانها در چارچوب بازسازی نظام ملل متحد بوده است.

اصل گسترش شورای امنیت مورد پذیرش جامعه جهانی است، اما چندو چون آن همواره مورد کشمکش بوده است. تاکنون هیچ طرحی درباره گسترش شورامورد پذیرش اکثریت اعضای جامعه جهانی قرار نگرفته است. از این رو، با گذشت یک و نیم دهه از پایان جنگ سرد، شورای امنیت همچنان بازتابی از ساختار قدرت جهانی پس از جنگ جهانی دوم است؛ ساختاری که در چارچوب آن تدوین گران اصلی منشور - که جهان را برای نجات از چنگال نازیسم و فاشیسم مدیون خود می‌انگاشتند - در تعیین نهادهای اصلی ملل متحد و ترکیب آن - در پی حفظ وضع موجود و نه ایجاد وضع مطلوب بودند.^۱

در دوران جنگ سرد به سبب دو قطبی بودن ساختار نظام بین‌الملل و چیرگی فضای امنیتی بر جامعه جهانی، شورای امنیت به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عرصه درگیری و رقابت دو ابر قدرت شد و کارآمدی لازم را نداشت. از این رو در دوران جنگ سرد زمزمه‌های گسترش این شورا آن چنان جدی نبود که به نگرانی اساسی پنج قدرت دارنده حق و تو تبدیل شود. تنها تغییر مهمی که در این دوران در ساختار شورا ایجاد شد افزایش شمار اعضای غیر دائم آن بر اساس قطعنامه ۱۷ دسامبر ۱۹۶۳ مجمع عمومی از ۶ به ۱۰ عضو بود. این قطعنامه اصلاحی در اول سپتامبر ۱۹۶۵ با تصویب دو سوم اعضای مجمع عمومی که ۵ عضو دائم شورای امنیت را نیز در برمی گرفت به اجرا درآمد. برابر این قطعنامه توزیع جغرافیایی اعضای غیر دائم بدین صورت است: ۵ عضو از دولتهای آسیایی و آفریقایی، ۲ عضو از دولتهای آمریکای لاتین و کارائیب، ۲ عضو از گروه اروپای غربی و سایرین*.^۲

وضع موجود پس از جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه ۱۹۹۰ یعنی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کم و بیش چیره بود اما پس از جنگ سرد

اوضاع و شرایط یکسره متفاوت از گذشته شد. هر چند یکی از دو قطب دوران جنگ سرد به زندگی خود ادامه داد اما با توجه به اینکه پایه‌های اقتصادی، مالی و تکنولوژیک سیطره آن از دهه ۱۹۷۰ به این سو به چالش کشیده شده بود تنها در پایه نظامی همچنان بدون رقیب مانده بود که در راستای یکجانبه‌گرایی خود همواره تلاش داشته است از آن برای تضمین منافع و برتری خود در بلندمدت بیشترین فایده را ببرد.

دو بحران مرتبط با عراق در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ به این سو دو دیدگاه گوناگون درباره سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت را پیش کشید.

در پی جنگ نخست بنام «عملیات طوفان صحرا» بر ضد عراق و اخراج نیروهای عراقی از کویت با حمایت قطعنامه‌های شورای امنیت، بسیاری از پژوهشگران درباره توانایی سازمان ملل به عنوان سازمانی که می‌تواند در راستای نظم نو جهانی نقش بسیار مهمی ایفا کند نظریه‌هایی اغراق آمیز مطرح کردند. با آغاز جنگ دوم نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا بر ضد عراق در مارس ۲۰۰۳ که بدون مجوز شورای امنیت به عنوان تنها ارگان حافظ صلح و امنیت بین‌الملل در گرفت، بسیاری از پژوهشگران، پایان نهاد سازمان ملل و ایده نظم بین‌المللی را که سازمان ملل نماینده اصلی آن بود اعلام کردند. این دیدگاههای افراطی درباره سازمان ملل بیانگر این واقعیت است که بسیاری از نظریه‌های کلاسیک کلاسیکانه درباره ضروری بودن یا نبودن سازمان ملل پس از جنگ سرد ریشه در فهم دقیق و درستی از معایب و مزایای سازمان و به ویژه شورای امنیت، ندارد.^۳

در میان این دو دیدگاه افراطی دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که سازمان ملل را سودمند می‌داند ولی بر آن است که با توجه به تغییر شرایط بین‌المللی باید متناسب با شرایط پس از جنگ سرد تغییراتی در ساختار و کارکرد آن پیدا شود. یکی از انتقادات اصلی این دیدگاه از شورای امنیت این است که شورا دموکراتیک نیست و برای افزایش اثربخشی و مشروعیت آن، باید بازتابی از شرایط جهان کنونی باشد.^۴ از نکات اساسی

گسترش شورای امنیت: طرحها و دیدگاهها

حسن مهتویان

کارشناس ارشد علوم سیاسی

مورد اصلاحات در سازمان ملل این است که برای اصلاح سازمان باید اصول بنیادین منشور ملل متحد به عنوان پایه‌ای اساسی دستمایه قرار گیرد. بسیاری از این گونه اصول و ارزشها را می‌توان بر شمر دولی سه‌تای آنها نسبت به سایرین ذاتی تر هستند: دموکراسی، مسئولیت و احترام به تنوع دیدگاهها.^۵

الگوهای کلان گسترش شورای امنیت:

تقاضا برای گسترش و دموکراتیزه کردن شورای امنیت موضوع تازه‌ای نیست بلکه به آوریل ۱۹۴۵ و کنفرانس سانفرانسیسکو بازمی‌گردد. در همان زمان پاره‌ای از دولتهای شرکت کننده بر این باور بودند که محدود کردن اعضای دائم شورای امنیت به ۵ دولت قدرتمند برخلاف روش جامعه ملل است که راه را برای عضویت دیگر قدرتهای بزرگ باز گذاشته بود.^۶

با وجود این نخستین طرح رسمی برای گسترش شورای امنیت در سال ۱۹۵۶ از سوی ۱۸ کشور آمریکای لاتین به یازدهمین نشست مجمع عمومی تسلیم شد که سرانجام با حمایت شوروی در سال ۱۹۶۵ و با تصویب دو سوم اعضای مجمع عمومی و پذیرش اعضای دائم، شورای امنیت ۱۵ عضوی کنونی شکل گرفت. پس از جنگ سرد گفتمان گسترش شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ با تشکیل «گروه کاری بدون محدودیت» سازمان ملل که مسئولیت بررسی راههای افزایش شمار اعضای شورای امنیت را بر عهده داشت، به شکل جدی تر ادامه یافت.^۷

در مجموع می‌توان نظرهای گوناگون درباره گسترش شورای امنیت را در چهار سناریوی جداگانه یا الگوی گسترش (Enlargement Model) گروه‌بندی کرد. این رهیافت چهارگانه، فضایی برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای الگوهای گسترش شورای امنیت فراهم می‌آید.^۸

۱- الگوی حفظ وضع موجود (Status quo (or Non-Enlargement) Model): پیروان و حامیان اصلی این الگو ۵ عضو دائم شورای امنیت یعنی ایالات متحده، فرانسه، روسیه، انگلیس و چین هستند که قدرت و تو دارند. این الگو مطلوبترین الگو برای تأمین منافع کشورهای

صنعتی شمالی است که از نظر تاریخی از آغاز، حاکم بر ساختار شورای امنیت بوده‌اند. این الگو بر این فرض استوار است که تنها دولتهای ایت می‌توانند از صلح و امنیت بین‌المللی نگهداری کنند. در نظام کنونی شورای امنیت ۳ عضو از ۵ عضو دارای قدرت و تو از کشورهای آتلانتیک شمالی‌اند که از نظر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی همسانی‌های زیادی با هم دارند. بزرگترین ضعف این الگو دموکراتیک بودن آن است. افزون بر این الگوی وضع موجود ناظر به تصمیم‌گیری مؤثر در شورای امنیت نیست چرا که گستره مشورت برای یافتن گزینه‌های مناسب در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را همچنان محدود نگه می‌دارد.

۲- الگوی گسترش کاذب (Phony Enlargement Model): این الگو برای نخستین بار توسط بیل ریچاردسون (Bill Rich-ardson) نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل مطرح شد. الگوی ریچاردسون ناظر به اختصاص ۵ کرسی دائم بدون حق و تو به اعضای جدید است. بر پایه این طرح یک کرسی به آلمان، یک کرسی به ژاپن و ۳ کرسی به کشورهای در حال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اختصاص می‌یابد. ژاپن و آلمان از تأمین کنندگان اصلی بودجه سازمان ملل متحداند که اصلی‌ترین ارگان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در راستای منافع قدرتهای بزرگ است، آمارهای سال ۲۰۰۴ نشانگر این واقعیت است که پس از آمریکا که ۲۴/۴۷ درصد از بودجه حدود ۱۰ میلیارد دلاری سازمان را تأمین می‌کرد، ژاپن با ۱۸/۸۸ درصد و آلمان با ۸/۳۶ درصد در رده‌های دوم و سوم قرار دارند.^۹

از دیدگاه آمریکا ورود آلمان و ژاپن به شورای امنیت سبب مسئولیت‌پذیری بیشتر آنها در پهنه روابط بین‌الملل و درگیر شدن آنها با چالشهایی در گستره جهانی می‌شود که این امر تا مقدار زیادی از بار تعهدات توان فرسای آمریکا می‌کاهد.^{۱۰}

تخصیص سه کرسی دائم دیگر بر اساس این الگو به کشورهای در حال توسعه در این راستا است که آراء مثبت این کشورها در مجمع عمومی برای اعطای کرسی دائم به ژاپن و آلمان ضروری است.

○ اصل گسترش شورای امنیت مورد پذیرش جامعه جهانی است، اما چندانو چون آن همواره مورد کشمکش بوده است. تاکنون هیچ طرحی درباره گسترش شورای امنیت پذیرش اکثریت اعضای جامعه جهانی قرار نگرفته است. از این رو، با گذشت یک و نیم دهه از پایان جنگ سرد، شورای امنیت همچنان بازتابی از ساختار قدرت جهانی پس از جنگ جهانی دوم است.

۳- الگوی گسترش عملی (Pragmatic Enlargement Model): این الگو نخستین بار از سوی رزالی اسماعیل (Razali Is-mail) رئیس گروه کاری سازمان ملل برای تهیه طرح گسترش شورای امنیت عنوان شد. بر اساس این طرح شمار اعضای شورا از ۱۵ به ۲۴ عضو (۵ عضو دائم و ۴ عضو غیر دائم تازه) افزایش خواهد یافت. توزیع منطقه‌ای اعطای کرسیهای تازه به این شکل خواهد بود که به ژاپن و آلمان و هر کدام از مناطق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و کارائیب یک کرسی دائم و به آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و کارائیب و اروپای شرقی هر کدام یک کرسی غیر دائم داده خواهد شد. اشکال بزرگ این الگو این است که تغییری در موازنه کنونی قدرت شورای امنیت به سود کشورهای در حال توسعه ایجاد نمی‌کند. زیرا هر چند کرسیهای دائمی به این کشورها اعطا می‌شود اما کرسیهای کشورهای توسعه یافته شمال را به ۷ کرسی افزایش می‌دهد.

۴- الگوی گسترش دموکراتیک (Democratic Enlargement Model): این الگو نسخه‌ای هماهنگ با نظام منطقه‌ای است که نخستین بار در سال ۱۹۴۳ از سوی وینستون چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس مطرح شد. در سنجش با سه الگوی پیشین الگوی دموکراتیک الگویی رادیکال یا ایده‌آل است و عناصر اصلی آن عبارتند از:

الف) نمایندگی نسبی گروه‌بندیهای منطقه‌ای کشورهای عضو سازمان ملل بر اساس جمعیت و سرزمین؛
ب) حساسیت نسبت به نقطه نظرات و نگرانیهای گوناگونی که از سوی کشورهای عضو سازمان ملل در مورد اصلاحات در شورای امنیت مطرح می‌شود؛

ج) توزیع برابر قدرت در شورای امنیت که باید «شیوه تصمیم‌گیری مشارکتی» نامیده شود؛

د) گسترش قدرت و تو به تمام اعضای شورای امنیت (البته اگر وجود چنین قدرتی ضروری باشد).

مهمترین مزیت و نقطه قوت این الگو این است که تصمیم‌گیری در شورای امنیت بیشتر مبتنی بر

مشورت و مشارکت خواهد شد و از این رو گمان بیشتری وجود دارد که آثار چنین ساختاری هماهنگی بیشتری با مفهوم امنیت جمعی داشته باشد. همچنین این الگو می‌تواند اتحاد در سراسر مناطق جهان را تشویق کند و مشروعیت شورای امنیت را افزایش دهد.

هر گونه تغییری در منشور ملل متحد، مانند همه تغییرات قوانین اساسی در داخل کشورها باید مورد حمایت زیاد جامعه بین‌المللی باشد. حامیان هر گونه طرحی در مورد اصلاح منشور به سختی می‌توانند آراء دو سوم اعضای مجمع عمومی و حتی از آن مشکل‌تر، موافقت اعضای دائم شورای امنیت را به دست آورند. پذیرش و تصویب هر گونه طرحی از سوی پنج عضو دائم شورا در مجموع اگر نگوئیم ناممکن ولی بسیار مشکل است. با وجود حمایت هر یک از این پنج عضو از پاره‌ای اصلاحات و پذیرش نامزدی پاره‌ای کشورهای خاص، هر پنج عضو شورا با ترتیبات کنونی مطرح شده برای گسترش شورا و هر گونه تغییری که قدرت آنها را کاهش دهد یا با چالش روبرو سازد، مخالفند.^{۱۱}

کشورهای صنعتی شمال در پی محدود کردن هر چه بیشتر افزایش هر گونه عضویتی در شورای امنیت هستند چون چنین افزایشی ممکن است نفوذ آنها را کاهش دهد و سدی برای توانایی شورای امنیت در اجرای مؤثر و سریع مأموریتهايش باشد. واقعیتی که در زمینه گسترش شورا جلب توجه می‌کند این است که از يك سو گسترش شورا مشروعیت و اثربخشی آن را نزد جهان در حال توسعه بیشتر می‌کند اما از سوی دیگر عضویت محدود شورا به عنوان شرط مهم کارآمدی در نظر گرفته می‌شود.

نگرش اعضای دائم شورای امنیت

الف- ایالات متحده:

ایالات متحده به عنوان قدرت نخست شورای امنیت عقیده دارد که اعضای دائم کنونی شورا کشورهایایی با توان و نفوذ سیاسی و اقتصادی در گستره‌ای جهانی هستند. آنها همچنین با عملیات حفظ صلح و دیگر فعالیتها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شرکت می‌کنند؛ پس، موقعیت این

○ در دوران جنگ سرد به سبب دو قطبی بودن ساختار نظام بین‌الملل و چیرگی فضای امنیتی بر جامعه جهانی، شورای امنیت به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عرصه درگیری و رقابت دو ابر قدرت شد و کارآمدی لازم را نداشت. از این رو در دوران جنگ سرد زمزمه‌های گسترش این شورا آن چنان جدی نبود که به نگرانی اساسی پنج قدرت دارنده حق و تو تبدیل شود.

دولتها در شورای امنیت باید بی تغییر بماند.^{۱۲} دولت جورج بوش تاکنون با تمام طرحهای گسترش شورای امنیت به دو سبب اصلی مخالفت کرده است.

نخست: دولت آمریکا اعلام کرده است که با گسترش متعادل شورای امنیت موافق است اما به هیچ‌رو با افزایش ۱۰ یا ۱۱ کرسی تازه به ۱۵ کرسی کنونی این شورا موافق نیست. هرچند کاخ سفید از تقاضای ژاپن برای داشتن کرسی دائم در شورا، ولی بدون داشتن قدرت و تو، پشتیبانی کرده است اما بر این نکته نیز پافشاری می‌کند که گسترش شورای امنیت باید به ورود دو یا سه عضو دائم و دو یا سه عضو غیر دائم تازه براساس منطقه‌بندی، محدود شود. لذا میزان مطلوب گسترش شورای امنیت از نظر آمریکا افزایش اعضای آن تنها به ۱۹ یا ۲۰ عضو است.

دوم: دولت بوش بر آن است که دادن هرگونه رأی موافقی به گسترش شورای امنیت باید پس از رأی موافق به دیگر اصلاحات سازمان ملل صورت گیرد؛ اصلاحاتی که ضروری‌ترند به نظر آمریکا شکست‌ها و نارسایی‌های مدیریتی، فساد و رشوه‌گیری و نبود شفافیت و پاسخگویی، کارآمدی و نام‌و آوازه مطلوب سازمان را بیشتر خدشه‌دار کرده‌اند تا ترکیب و شمار اعضای شورای امنیت.^{۱۳}

در دهه ۱۹۹۰ دولتمردان آمریکایی چندین بار

از هند، برزیل و آفریقای جنوبی افزون بر ژاپن و آلمان به‌عنوان نامزدهای مشروع برای عضویت دائم در شورای امنیت نام بردند؛ اما در دولت جورج بوش این حمایت به ژاپن و آلمان و پس از جنگ عراق و حمایت نکردن آلمان از این جنگ تنها به اعطای کرسی دائم به ژاپن محدود شده است.

گزارشهای وزارت امور خارجه آمریکا درباره هماهنگ بودن یا نبودن موضع رأی‌دهی اعضای سازمان ملل در مجمع عمومی با مواضع آمریکا نشان می‌دهد که چرا آمریکا از گسترش شورای امنیت نگرانی دارد. براساس آمار منتشره درباره موضع رأی‌دهی ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل (به‌جز آمریکا) در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴، تنها ۴۲ کشور (۲۰/۹ درصد) به‌طور میانگین در بیش از ۵۰ درصد موارد برابر با موضع و نظر آمریکا رأی داده‌اند. در میان کشورهای خواهان کرسی دائم در شورای امنیت یعنی ژاپن، آلمان، برزیل، هند، مصر، نیجریه و آفریقای جنوبی این میانگین چندان دلخواه نبوده است.^{۱۴} جدولهای (۱) و (۲) گویای واقعیتهای بیشتری در این زمینه هستند.

در ۲۰۰۴، برزیل، نیجریه، هند، آفریقای جنوبی و مصر تنها در ۲ موضوع کلیدی از موضع رأی‌دهی برابر با موضع آمریکا برخوردار بودند. آلمان و ژاپن نیز تنها در ۴ موضوع مهم هم‌سو با آمریکا رأی دادند.

○ با آغاز جنگ دوم نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا بر ضد عراق در مارس ۲۰۰۳ که بدون مجوز شورای امنیت به‌عنوان تنها ارگان حافظ صلح و امنیت بین‌الملل در گرفت، بسیاری از پژوهشگران، پایان نهاد سازمان ملل و ایده نظم بین‌المللی را که سازمان ملل نماینده اصلی آن بود اعلام کردند.

جدول (۱) رتبه‌بندی کشورهای خواهان کرسی دائم در شورای امنیت براساس میانگین رأی‌دهی برابر با موضع رأی‌دهی آمریکا در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴

رتبه	کشور	رتبه‌بندی براساس میانگین ۶ سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
۱	آلمان	۵۵/۲۰	۷۰/۱۰	۶۴/۸۰	۵۵/۲۰	۴۹/۳۰	۴۷	۴۴/۸
۲	ژاپن	۵۰/۲۲	۶۳/۳۰	۵۸/۸۰	۴۸/۳۰	۴۸/۶۰	۳۹/۴۰	۴۲/۹
۳	برزیل	۲۹/۰۵	۳۸/۹۰	۳۹/۷۰	۲۹	۳۱	۲۰/۸۰	۱۴/۹
۴	نیجریه	۲۵/۱۵	۳۵/۲۰	۳۳/۳۰	۲۱/۲۰	۲۶/۵۰	۱۹/۸۰	۱۴/۹
۵	آفریقای جنوبی	۲۵/۰۷	۳۹/۷۰	۴۰	۲۳/۶۰	۲۰/۸۰	۱۴/۹۰	۱۱/۴
۶	هند	۲۰/۴۳	۲۱/۹۰	۲۱/۸۰	۱۸	۲۱/۲۰	۱۹/۷۰	۲۰
۷	مصر	۱۷/۸۲	۲۸/۶۰	۲۱/۱۰	۱۵/۹۰	۲۰	۱۲/۸۰	۸/۵

(منبع: وزارت امور خارجه آمریکا، اداره امور سازمانهای بین‌المللی، نوع رأی‌دهی کشورها در سازمان ملل در سال ۲۰۰۴، منتشره در ۱۰ اوت ۲۰۰۵)

جدول (۲) رتبه‌بندی کشورهای خواهان کرسی دائم در شورای امنیت بر اساس میانگین رأی دهی برابر باموضع رأی دهی آمریکا درباره موضوعات کلیدی و مهم* در مجمع عمومی در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۲

رتبه	کشور	رتبه‌بندی بر اساس میانگین ۵ سال	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰
۱	ژاپن	۶۶/۰۶	۶۶/۷۰	۶۳/۶۰	۵۸/۳۰	۶۶/۷۰	۷۵
۲	آلمان	۶۴/۳۲	۵۷/۱۰	۶۶/۷۰	۵۰	۷۰	۷۷/۸۰
۳	برزیل	۳۴/۸۴	۲۵	۳۸/۵۰	۳۸/۵۰	۲۲/۲۰	۵۰
۴	نیجریه	۲۲/۹۴	۲۰	۳۶/۴۰	۲۵	۰	۳۳/۳۰
۵	آفریقای جنوبی	۱۹/۲۸	۲۰	۱۸/۲۰	۱۸/۲۰	۰	۴۰
۶	هند	۱۹/۰۶	۲۰	۲۳/۱۰	۳۰	۰	۲۲/۲۰
۷	مصر	۱۵/۵۲	۲۰	۱۵/۴۰	۲۰	۰	۲۲/۲۰

منبع: وزارت امور خارجه آمریکا، اداره امور سازمانهای بین‌المللی، نوع رأی دهی کشورها در سازمان ملل در سال ۲۰۰۴، منتشره در ۱۰ اوت ۲۰۰۵

* در سال ۲۰۰۴، ۱۰ موضوع مهم و کلیدی مطرح در مجمع عمومی عبارت بودند از: ۱- تحریم آمریکا بر ضد کوبا، ۲- حقوق بشر در سودان، ۳- کمیته حقوق سلب‌نشده ملت فلسطین، ۴- بخش حقوق فلسطینی در دبیرخانه، ۵- پیمان توقف مواد شکافت‌پذیر، ۶- عملکرد کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیل، ۷- حذف همه‌گونه سخن‌گویی مذهبی، ۸- افزایش نقش سازمانها برای ارتقای دموکراسی، ۹- حقوق بشر در ایران، ۱۰- تجارت بین‌الملل و توسعه.

شمالی از مهمترین مخالفان عضویت دائم ژاپن در شورای امنیت است. مخالفت چین و دو کره بیشتر به سبب خودداری ژاپن از پوزش رسمی برای جنایاتی است که در جنگ جهانی دوم در متصرفات خود مرتکب شده است.^{۱۵}

چین بارها پشتیبانی خود را از گسترش شورای امنیت اعلام کرده است و موافق اصل توزیع منطقه‌ای کرسیها و دادن کرسیهای متناسب به کشورهای در حال توسعه و کشورهای کوچک و متوسط به ویژه کشورهای آفریقایی است.

طرحهای ارائه شده برای گسترش

شورای امنیت:

طرح گروه ۴: گروه ۴ (Group 4-G4) متشکل از کشورهای هند، آلمان، ژاپن و برزیل است که با هدف حمایت از یکدیگر برای داشتن کرسی دائم در شورای امنیت گردهم آمده‌اند. در پنجاه و نهمین نشست سران مجمع عمومی، رهبران این چهار کشور موافقت کردند که از عضویت دائم یکدیگر در شورای امنیت پشتیبانی کنند.

ژاپن و آلمان که از قدیمی ترین نامزدهای عضویت دائم در شورای امنیتند می‌دانند که بدون جلب

یکی از نکات قابل توجه جدول (۱) و (۲) کاهش هماهنگی موضع رأی دهی کشورهای خواهان کرسی دائم در شورای امنیت با موضع رأی دهی آمریکا از ۱۹۹۹ به این سو است.

ب- نگرش چهار عضو دائم دیگر: سیاست حاکم بر موضوع گسترش اعضای شورای امنیت سیاستی پیچیده است. هر چند انگلیس، فرانسه و روسیه اعضای درجه دوم شورا به شمار می‌روند و هر گونه تغییر و تحولی در ساختار شورای امنیت بیشترین اثر را بر عرصه قدرت و نفوذ آنها خواهد گذاشت با این همه از عضویت دائم ژاپن، برزیل، آلمان و هند به نام «گروه ۴» حمایت می‌کنند. این سه کشور حتی با عضویت يك کشور از آفریقا و يك کشور از جهان اسلام در شورا نیز موافق بوده و طرح گروه ۴ را با توجه به ندادن قدرت و توپه اعضای دائم جدید دست کم تا ۱۵ سال پس از عضویت آنها و با در نظر گرفتن اعطای دو کرسی دائم به قاره آفریقا طرحی مؤثر و پذیرفتنی اعلام کرده‌اند.

در بین ۴ عضو دائم درجه دوم شورای امنیت بیشترین مخالفتها با طرح گروه ۴ از سوی چین ابراز شده است. چین به همراه کره جنوبی و

○ تقاضا برای گسترش و دموکراتیزه کردن شورای امنیت موضوع تازه‌ای نیست بلکه به آوریل ۱۹۴۵ و کنفرانس سانفرانسیسکو بازمی‌گردد. در همان زمان پاره‌ای از دولت‌های شرکت کننده بر این باور بودند که محدود کردن اعضای دائم شورای امنیت به دولت قدرتمند برخلاف روش جامعه ملل است که راه برای عضویت دیگر قدرتهای بزرگ باز گذاشته بود.

باید. بر پایه این طرح از ۱۰ کرسی افزوده شده ۶ کرسی، دائم و ۴ کرسی غیر دائم خواهند بود. اعضای این گروه بر این نظرند که از ۶ کرسی دائم باید ۲ کرسی به قاره آفریقا، ۲ کرسی به قاره آسیا، ۱ کرسی به گروه اروپای غربی و سایرین و ۱ کرسی به آمریکای لاتین و کارائیب تعلق گیرد. همچنین ۴ کرسی غیر دائم به شکل زیر باید توزیع شود: آفریقای کرسی، آسیا یک کرسی، اروپای شرقی یک کرسی، آمریکای لاتین و کارائیب یک کرسی.

به این ترتیب با شمارش اعضای دائم و غیر دائم کنونی و تازه، قاره آفریقا، قاره آسیا، گروه اروپای غربی و سایرین هر کدام دارای ۶ کرسی در شورای امنیت خواهند شد. همچنین اروپای شرقی دارای ۳ کرسی و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب دارای ۴ کرسی خواهند شد (جدول ۳).

هر چند اعضای گروه ۴ خواهان قدرت و توانمند پنج عضو دائم برای خود هستند اما به سبب مخالفت جدی چین و بی میلی آمریکا در حمایت از نظر این گروه، خواستار مسکوت گذاردن آن به مدت ۱۵ سال از زمان عضویت دائم در شور شده اند.^{۱۷}

یکی از اختلاف نظرهای گروه ۴ بادلتهای آفریقای در همین مورد است. زیر اعضای اتحادیه آفریقا برای داشتن کرسی دائم با قدرت و تویافشاری می کنند. در حالی که اعضای گروه ۴ داشتن حق و تو را در شرایط کنونی به مصلحت نمی دانند. اعضای این گروه از این واقعیت آگاه اند که پذیرش هر گونه قطعنامه ای نیاز به موافقت ۳۰ تا ۴۰ کشور از ۵۳ کشور آفریقای دارد. بنابراین در تلاش در جلب نظر

پشتیبانی کشورهای آفریقای، آسیایی و آمریکای لاتین موفق به داشتن کرسی دائم نخواهند شد. از این رو در صدد بر آمده اند تا کرسیهای دائمی نیز برای این کشورها درخواست کنند. آنها این واقعیت را می دانند تا هنگامی که موافقت دو سوم اعضای سازمان ملل یعنی ۱۲۸ عضو از ۱۹۱ عضو مجمع عمومی را جلب نکنند (که در این میان بیشترین سهم را کشورهای در حال توسعه دارند) نمی توانند نخستین دور را با موافقت، تمام کنند. واقعیت این است که جلب چنین حجم از آرائی در مجمع عمومی می تواند اهرم فشار مناسبی در برابر مخالفت پنج عضو دائم شورای امنیت باشد. هر گونه اصلاحی در منشور سازمان ملل نیازمند آرای دو سوم اعضای مجمع و تصویب اعضای دائم شورای امنیت است. به بیان دیگر اگر هر گونه اصلاحی به تصویب یکی از اعضای دائم شورای امنیت نرسد در حالی که به تصویب دو سوم اعضای مجمع رسیده باشد آن اصلاح عملی نخواهد شد.

واقعیت مهمی که وجود دارد این است که درخواست هر کرسی دائمی مخالفتهایی را نیز برانگیخته است. برای نمونه پاکستان با دادن کرسی دائم به هند، و نیز آرژانتین و مکزیک با دادن کرسی دائم به برزیل و همچنین چین و دو کره با دادن کرسی دائم به ژاپن و نیز ایتالیا با دادن کرسی دائم به آلمان مخالفند.^{۱۸}

در قطعنامه پیشنهادی گروه ۴ که در ۶ جولای ۲۰۰۵ در اختیار مجمع عمومی قرار گرفت پیشنهاد شده است که شمار اعضای شورای امنیت ۲۵ عضو افزایش

○ نخستین طرح رسمی برای گسترش شورای امنیت در سال ۱۹۵۶ از سوی ۱۸ کشور آمریکای لاتین به یازدهمین نشست مجمع عمومی تسلیم شد که سرانجام با حمایت شوروی در سال ۱۹۶۵ و با تصویب دو سوم اعضای مجمع عمومی و پذیرش اعضای دائم، شورای امنیت ۱۵ عضو کنونی شکل گرفت.

جدول (۳) طرح پیشنهادی گروه ۴ برای گسترش شورای امنیت سازمان ملل متحد

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	اعضای دائم فعلی	اعضای غیر دائم فعلی	اعضای دائم جدید	اعضای غیر دائم جدید	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۳	۲	۱	۶
آسیا	۵۴	۱	۲	۲	۱	۶
اروپای غربی و سایرین (WEOG)	۲۹	۳	۲	۱	۰	۶
اروپای شرقی	۲۲	۱	۱	۰	۱	۳
آمریکای لاتین و کارائیب	۲۳	۰	۲	۱	۱	۴
جمع	۱۹۱	۵	۱۰	۶	۴	۲۵

و همکاری کشورهای آفریقایی هستند.^{۱۸}

شد. (جنول ۴).^{۱۹}

در آزادی بیشتر: در نوامبر ۲۰۰۳ کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل کمیته‌ای راهبردی است. آنادیناپیار اچان، نخست‌وزیر پیشین تایلند و متشکل از ۱۶ چهره بین‌المللی تشکیل داد تا درباره چگونگی به‌روزرسانی سازمان ملل برای روبرو شدن با چالش‌های سده ۲۱ همچون تروریسم، کشورهای ورشکسته، گسترش سلاح‌های هسته‌یی، فقر، خشونت و نسل‌کشی و معضلات محیط زیست گزارش تهیه کند. کمیته ۱۶ نفره که «گروه کاری بدون محدودیت» خوانده می‌شد در گزارش ۹۶ صفحه‌ای خود در کنار موضوعاتی چون اصلاح منشور، کاربرد پیشگیرانه زور به عنوان دفاع مشروع از خود یا جستجوی تعریفی برای اقدامات تروریستی برای متمایز کردن اینگونه اقدامات از ایستادگی مشروع، به موضوع گسترش شورای امنیت نیز پرداخت. گزارش این کمیته، ۱۰۱ توصیه برای کارآمدتر کردن سازمان ملل داشت.^{۲۰}

مفاد گزارشی که در ۲۱ مارس ۲۰۰۵ با عنوان «با آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» از سوی کوفی عنان منتشر شد بر اساس مفاد همان گزارشی بوده است که از سوی کمیته ۱۶ نفره تهیه شد.^{۲۱}

در بخش گسترش شورای امنیت در این گزارش دو طرح ارائه شده است. اما عنان گرایش خود را نسبت به هیچ‌یک از این طرح‌ها ابراز نداشته است. هر دو طرح ناظر به افزایش اعضای شورای ۲۴ عضو است

طرح اتحادیه آفریقا: اتحادیه آفریقایکی از مدعیان مهم برای نقش آفرینی در گسترش شورای امنیت است. در بیانیه نشست ماه آگوست این اتحادیه، کشورهای عضو بر تأمین حق مشروع آفریقا بر اساس موقعیت جغرافیایی‌شان و اینکه هر گونه اصلاحی در سازمان ملل باید تمام ارکان آن از جمله شورای امنیت را دربرگیرد (که کشورهای آفریقایی خواهان داشتن دو کرسی دائم با تمام حقوق از جمله قدرت و توپنج کرسی غیر دائم در آن هستند) تأکید کردند. در این قاره مصر، آفریقای جنوبی، نیجریه جلودار مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت هستند. به نظر آفریقایی‌ها کرسیهای شورای امنیت باید از ۱۵ عضو به ۲۶ عضو افزایش یابد. بر اساس نظر کشورهای آفریقایی ۶ کرسی از ۱۱ کرسی تازه باید دائم با قدرت و توو ۵ کرسی غیر دائم باشد. از کرسیهای دائم تازه ۲ کرسی به کشورهای آفریقایی، ۲ کرسی به کشورهای آسیایی اختصاص می‌یابد و به گروه‌های غربی و سایرین و نیز آمریکای لاتین و کارائیب، هر کدام یک کرسی تعلق خواهد گرفت. توزیع ۵ کرسی غیر دائم تازه به این صورت خواهد بود: کشورهای آفریقایی ۲ کرسی، کشورهای آسیایی ۱ کرسی، اروپای شرقی ۱ کرسی و آمریکای لاتین و کارائیب ۱ کرسی. در مجموع به اتحادیه آفریقا ۷ کرسی، به آسیا ۶ کرسی، به گروه اروپای غربی و سایرین ۶ کرسی، به اروپای شرقی ۳ کرسی و به آمریکای لاتین و کارائیب ۴ کرسی داده خواهد

○ ژاپن و آلمان از تأمین کنندگان اصلی بودجه سازمان ملل متحد اند که اصلی ترین ارگان مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی در راستای منافع قدرتهای بزرگ است. آمارهای سال ۲۰۰۴ نشانگر این واقعیت است که پس از آمریکا که ۲۴/۴۷ درصد از بودجه حدود ۱۰ میلیارد دلاری سازمان را تأمین می‌کند، ژاپن با ۱۸/۸۸ درصد و آلمان با ۸/۳۶ درصد در رده‌های دوم و سوم قرار دارند.

جدول (۶) طرح پیشنهادی اتحادیه آفریقا برای گسترش شورای امنیت سازمان ملل متحد

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	اعضای دائم فعلی	اعضای دائم غیردائم فعلی	اعضای دائم جدید	اعضای غیردائم جدید	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۳	۲	۲	۷
آسیا	۵۴	۱	۲	۲	۱	۶
اروپای غربی و سایرین (WEOG)	۲۹	۳	۲	۱	-	۶
اروپای شرقی	۲۲	۱	۱	-	۱	۳
آمریکای لاتین کارائیب	۳۳	۰	۲	۱	۱	۴
جمع	۱۹۱	۵	۱۰	۶	۵	۲۶

جدول (۵) طرح الف، در گزارش «در آزادی بیشتر»

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	کرسی‌های دائم (مداوم)	کرسی‌های دائم جدید	کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۲	۴	۶
آسیا و اقیانوسیه	۵۶	۱	۲	۳	۶
اروپا	۴۷	۳	۱	۲	۶
آمریکا	۳۵	۱	۱	۴	۶
جمع	۱۹۱	۵	۶	۱۳	۲۴

و با عنوان طرح‌های الف و ب مطرح شده‌اند.^{۲۲}

در نمونه الف شش کرسی دائمی بدون و تو و ۳ کرسی تازه غیردائم و دو ساله پیش‌بینی شده است که بین حوزه‌های منطقه‌ای بزرگ تقسیم خواهد شد. در طرح الف ۲ کرسی دائم به قاره آفریقا، ۲ کرسی دائم به آسیا و اقیانوسیه، ۱ کرسی دائم به اروپا و ۱ کرسی دائم نیز به قاره آمریکا افزون بر کرسی‌های کنونی آنها تعلق خواهد گرفت. بر اساس این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم دو ساله تازه و کنونی به صورت زیر خواهد بود: ۴ کرسی برای قاره آفریقا، ۳ کرسی برای قاره آسیا و اقیانوسیه، ۲ کرسی برای اروپا و ۴ کرسی برای آمریکا. در این طرح تمام ۱۳ کرسی غیردائم، ۲ ساله و تجدید نشدنی خواهد بود؛ یعنی یک کشور نمی‌تواند دو دوره پشت سر هم عضو غیردائم شورا باشد (جدول ۵).

در نمونه ب هیچ کرسی دائم پیش‌بینی نشده است اما گروه تازه‌ای از هشت کرسی تجدید نشدنی چهار ساله و یک کرسی تازه غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله که بین حوزه‌های منطقه‌ای

مهم تقسیم خواهد شد ایجاد می‌شود. بر پایه طرح ب توزیع کرسی‌های ۴ ساله تجدید نشدنی این گونه خواهد بود که به هر حوزه منطقه‌ای (آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا، آمریکا) ۲ کرسی اختصاص می‌یابد. بر پایه این طرح توزیع کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله اینگونه خواهد بود که به حوزه منطقه‌ای آفریقا ۴ کرسی، به آسیا ۳ کرسی، به اروپا ۱ کرسی و به آمریکا ۳ کرسی تعلق خواهد گرفت (جدول ۶).

طرح‌های «گروه اتحاد برای اتفاق»: آرژانتین، ایتالیا، پاکستان، مکزیک، کانادا، کره جنوبی، اسپانیا و ترکیه در برابر گروه ۴، «گروه اتحاد برای اتفاق» (United For Consensus- UFC) را تشکیل داده‌اند. به نظر این گروه طرح گروه ۴ برای افزایش شمار اعضای شورای امنیت تبعیض آمیز است و هژمونی‌های سطحی در سراسر جهان ایجاد می‌کند که در کار شورا اختلال و کندی ایجاد خواهد کرد. این گروه معتقد است که هرگونه گسترش در شورای امنیت باید آن را دموکراتیک‌تر، شفاف‌تر، مؤثرتر و پاسخگوتر

○ هر گونه تغییری در منشور ملل متحد، مانند همه تغییرات قوانین اساسی در داخل کشورها باید مورد حمایت زیاد جامعه بین‌المللی باشد. حامیان هر گونه طرحی در مورد اصلاح منشور به سختی می‌توانند آراء دو سوم اعضای مجمع عمومی و حتی از آن مشکل‌تر، موافقت اعضای دائم شورای امنیت را به دست آورند. پذیرش و تصویب هر گونه طرحی از سوی پنج عضو دائم شورا در مجموع اگر نگوییم ناممکن ولی بسیار مشکل است.

جدول (۶) طرح ب، در گزارش «در آزادی بیشتر»

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	کرسی‌های دائم (مداوم)	کرسی‌های چهار ساله تجدید نشدنی	کرسی‌های غیردائم و تجدید نشدنی دو ساله	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۲	۴	۶
آسیا و اقیانوسیه	۵۶	۱	۲	۳	۶
اروپا	۴۷	۳	۲	۱	۶
قاره آمریکا	۳۵	۱	۲	۳	۶
جمع	۱۹۱	۵	۸	۱۱	۲۴

کند.
این گروه در رابطه با گسترش شورا در آوریل ۲۰۰۵ دو الگو موسوم به سبز (Green Model) و آبی (Blue Model) عنوان کرده است.

جمع بندی:

در الگوی سبز، گسترش شورای امنیت با افزوده شدن ۱۰ کرسی مطرح شده است. بر اساس این الگو افزون بر ۵ عضو دائم، ۲۰ کرسی دیگر شورا از آن کشورهای خواهد بود که برای مدت ۲ یا ۳ سال از سوی مجمع عمومی انتخاب خواهند شد و گزینش دوباره آنها بدون مانع است.^{۲۳} در الگوی آبی، کرسیهای بلندمدت تری پیشنهاد شده است. بر پایه این الگو افزون بر اینکه شماری کرسی غیر دائم افزوده خواهند شد، ساختار قدرت جهانی از پایان جنگ سرد به این سو پیوسته در حال تغییر و تحول است و دیگر نمی توان با نهادها، سازمانها و قوانین دوران جنگ سرد پاسخگوی نیازها و واقعیتهای دوران کنونی بود. در دوران پس از جنگ سرد اتقاداتی به شورای امنیت وارد آمد که منجر به تقاضاهایی برای انجام ۷ مورد اصلاحات در آن شد که عبارتند از اینکه شورا باید ۱- انتخابی تر ۲- پاسخگو تر

در الگوی سبز، گسترش شورای امنیت با افزوده شدن ۱۰ کرسی مطرح شده است. بر اساس این الگو افزون بر ۵ عضو دائم، ۲۰ کرسی دیگر شورا از آن کشورهای خواهد بود که برای مدت ۲ یا ۳ سال از سوی مجمع عمومی انتخاب خواهند شد و گزینش دوباره آنها بدون مانع است.^{۲۳} در الگوی آبی، کرسیهای بلندمدت تری پیشنهاد شده است. بر پایه این الگو افزون بر اینکه شماری کرسی غیر دائم افزوده خواهند شد،

جدول (۷) الگوی سبز، گروه اتحاد برای اتفاق

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	کرسیهای دائم فعلی	کرسیهای غیر دائم فعلی	کرسیهای غیر دائم جدید	جمع	درصد کرسیهای انتخابی از هر گروه منطقه‌ای*
آفریقا	۵۳	۰	۳	۳	۶	۱۱/۳
آسیا	۵۴	۱	۲	۳	۶	۹/۴
اروپای غربی و سایرین (WEEOG)	۲۹	۳	۲	۱	۶	۱۱/۵
اروپای شرقی	۲۲	۱	۱	۱	۳	۹/۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۳۳	۰	۲	۲	۴	۱۲/۱
جمع	۱۹۱	۵	۱۰	۱۰	۲۵	۱۰/۸ (درصد از کل)

* درصد اعضای هر گروه منطقه‌ای شامل اعضای دائم شورای امنیت از هر منطقه نمی‌شود. برای نمونه گروه آسیایی بدون در نظر گرفتن چین، ۵۳ کشور دارد و بر اساس الگوی سبز ۵ کرسی غیر دائم به آن تعلق خواهد گرفت. پس $5/53 = 9/4\%$. درصد کل نیز بدون شمارش ۵ کرسی دائم شورای امنیت این گونه به دست می‌آید: $191/8 = 186.20 \div 191.5$

جدول (۸) مدل آبی، گروه اتحاد برای اتفاق

حوزه منطقه‌ای	شمار کشورها	کرسیهای دائم فعلی	کرسیهای غیر دائم فعلی	کرسیهای جدید		جمع	درصد از کل
				بلند مدت	دو ساله		
آفریقا	۵۳	۰	۳	۲	۱	۶	۱۱/۳
آسیا	۵۴	۱	۲	۲	۱	۶	۹/۴
اروپای غربی و سایرین (WEEOG)	۲۹	۳	۲	۱ یا ۲	۰	۶	۱۱/۵
اروپای شرقی	۲۲	۱	۱	۱ (بلندمدت یا دو ساله)	۰	۳	۹/۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۳۳	۰	۲	۲	۰	۴	۱۲/۱
جمع	۱۹۱	۵	۱۰	۱۰	۰	۲۵	۱۰/۸ (درصد از کل)

منابع و مآخذ

1. J. Mohan Malik, "Security Council Reform: China Signals its Veto", *World Policy Journal*, Volume 22, No 1, Spring 2005.
2. شاهرخ شاکریان، «شورای امنیت: فرایند توزیع مجدد قدرت»، مجله سیاست خارجی، س. ۹، ش. ۳، پاییز ۱۳۷۴.
3. David M. Malone, ed, *The UN Security Council: From the Cold War to 21 st century*, Lynne Rienner, 2004, p.1.
4. J. Mohan Malik, *Ibid*.
5. «بازسازی نظام ملل متحد، دیدگاهی از جنوب»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره مسلسل ۹۳-۹۴.
6. شاهرخ شاکریان، همان.
7. Afoaku, Ositag G, "Unitd Nations Security Council Reform: A critical Analysis of Enlargement Options", *Journal of Third World Studies*, Fall 2001.
8. *Ibid*.
9. "Assessed Contributions to The UN Regular Budget of the 15 Largest Assessed Contributors 2003-2004", <http://www.globalpolicy.org/finance/tables/regbudget/assessedlarge04.htm>.
10. شاهرخ شاکریان، همان.
11. James Paull, "Theses Towards a Democratic Reform of the UN Security Council", <http://www.globalpolicy.org/security/reform/2005/0713theses.htm>.
12. شاهرخ شاکریان، همان.
13. Nile Gardiner & Brett D. Schaefer, "UN Security Council Expansion Is Not In US Interest", <http://www.heritage.org/Research/InternationalOrganization/bg1876.cfm>.
14. *Ibid*
15. 2ND LD: "Debate on G4 Security Council Reform Resolution Begins", *Japan policy and politics*, July 18, 2005.
16. *Ibid*
17. United Nations General Assembly, A/59/L.64.
18. Ronald Flamini, Battle Over Security Reform, <http://www.Wpherald.com/soryview.Php?StoryID=20050812-033804-690Ir>.
19. United Nations General Assembly, A/59/L.67.
20. United Nations General Assembly, A/59/565.
21. United Nations General Assembly, A/59/2005.
22. *Ibid*
23. <http://www.globalpolicy.org/security/reform/cluster1/2005/04greenmodel.pdf>.
24. <http://www.globalpolicy.org/security/reform/cluster1/2005/04bluemodel.pdf>.
25. James Paul, *Ibid*.

۳-مشروع تر ۴-دموکراتیک تر ۵-شفاف تر
۶-اثر بخش تر و ۷-داشتن موضعی منصفانه تر در رابطه با موضوعات گوناگون باشد.^{۲۵}
بر پایه واقعیت‌های پس از جنگ سرد، گسترش شورای امنیت به عنوان مهمترین ارگان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی از همان آغاز دهه ۱۹۹۰ به موضوعی جدی تبدیل شد، موضوعی که تاکنون حل نشده است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر مهمترین موانع در برابر چنین گسترشی را بتوان این چنین برشمرد: ۱- نگرش جانبدارانه و بدون بیطرفی اعضای دائم شورای امنیت؛ بدین معنی که هر ۵ عضو دائم شورا در چارچوب تعریفی که از منافع خود دارند به گسترش شورا می‌نگرند. به ویژه آمریکا از آن نگران است که چنین گسترشی حوزه قدرت را هر چه بیشتر با چالش روبرو کند و ۲- ناتوانی کشورهای خواهان کرسی دائم در شورای امنیت در جلب نظر گروه کشورهای مخالف و نبودن اتفاق آراء بر سر یک طرح حساب شده که توان جلب آراء موافق دو سوم کشورهای عضو مجمع عمومی را داشته باشد.
به هر رو هر چند گسترش شورای امنیت از نظر همه کشورهای امری پذیرفته شده و عاملی ضروری برای تقویت مشروعیت شورا شده می‌شود اما در درجه و نوع گسترش آن، چندگانگی و ابهام وجود دارد.

یادداشتها

* گروه اروپای غربی و سایرین (Western European and Others Group - WEOG) یکی از چندین بلوک رأی دهی منطقه‌ای در سازمان ملل است. نخستین بلوک رأی دهی در سازمان ملل در ۱۹۶۰ شکل گرفت. WEOG يك بلوک غیر معمول است. یعنی جغرافیا تنها عامل برای تعریف آن نیست و اعضای آن از آمریکای شمالی، آسیا، منطقه پاسیفیک و همچنین دموکراسیهای اروپای غربی هستند. در حال حاضر WEOG ۲۹ عضو دارد که عبارتند از: آندورا، استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هلندی، ایتالیا، لیختن اشتاین، لوگزامبورگ، مالت، موناکو، هلند، زلاندو، نروژ، پرتغال، سان مارینو، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، آمریکا و انگلیس.

○ هر پنج عضو شورا با ترتیبات کنونی مطرح شده برای گسترش شورا و هر گونه تغییری که قدرت آنها را کاهش دهد یا با چالش روبرو سازد، مخالفند.
کشورهای صنعتی شمال در پی محدود کردن هر چه بیشتر افزایش هر گونه عضویتی در شورای امنیت هستند چون چنین افزایشی ممکن است نفوذ آنها را کاهش دهد و سدی برای توانایی شورای امنیت در اجرای مؤثر و سریع مأموریت‌هایش باشد.